

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

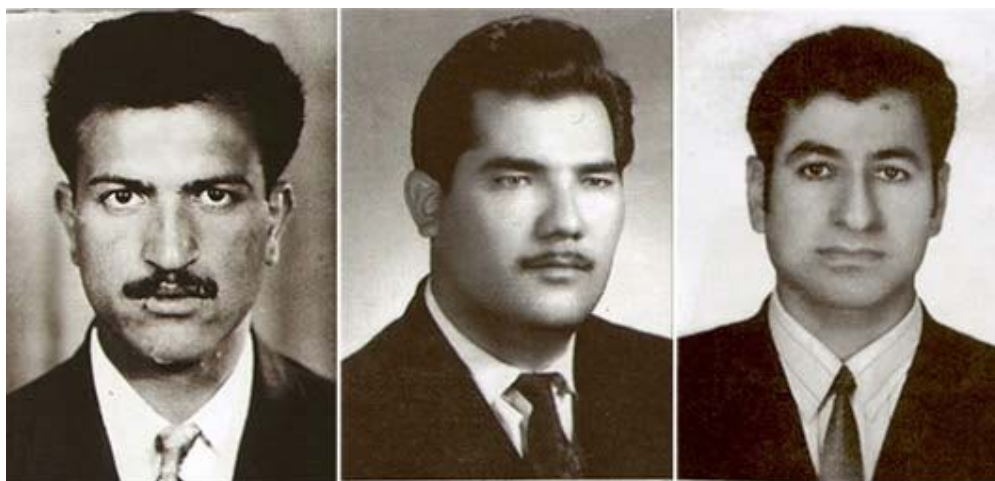
Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: فرید پرواز
۰۵ جنوری ۲۰۱۴

اسناد ساواک از زبان واواک!

اطلاعاتی پیرامون سه شکنجه گر ساواک شاه



از راست: رسولی، عضدی و عطاریپور شکنجه گران ساواک شاهنشاهی

اخبار روز: «گروه حماسه و مقاومت» خبرگزاری امنیتی فارس که به اسناد طبقه بندی شده و امنیتی دسترسی دارد، به مناسبت سالگرد انقلاب، اقدام به انتشار برخی از این اسناد کرده است. در یکی از گزارش های این خبرگزاری اطلاعاتی راجع به شکنجه گران ساواک و چگونگی کشتن بیژن جزنی و سایر همراهانش منتشر شده است. این گزارش را در زیر می خوانید:

رضا عطاریپور مجرد معروف به دکتر حسین زاده در سال ۱۳۱۷ در کاشان به دنیا آمد. وی با مدرک دیپلم در تاریخ ۳۸/۳/۱۵ به صورت روز مزد در ساواک استخدام شد و در تاریخ ۳۸/۸/۵ به رسمی تغییر عضویت داد. تحصیلات خود را تا مقطع فوق لیسانس علوم سیاسی ادامه داد و دوره هائی چون توجیه و حفاظت، تخصصی بررسی، نبرد پنهانی و جنگ های روانی را در آلمان گذراند. او سمت های چون مسئول دایره ۲، رئیس بخش ۲ اداره یکم، معاون اداره پنجم عملیات و بررسی را عهده دار بود و در تاریخ ۹/۵/۱۳۵۱ رئیس اداره یکم عملیات و بررسی اداره کل سوم، و در تاریخ ۱۰/۵/۵۷ معاون دوم اداره کل سوم گردید. او به خاطر جدیت و تلاش در کار به دریافت نشان درجه ۵ همایونی، نشان درجه ۳ کوشش، نشان درجه ۲ آبادانی و پیشرفت!!!، مدال پهلوی، چهار فقره تقدیر مدیر مربوطه و

یک فقره تقدیر تیمسار ساواک نائل آمد. عطار پور ۳۸ مأموریت اداری و آموزشی داشته که چهار مورد آن در خارج از کشور از جمله اسرائیل و المان غربی بوده است.

تهرانی و کمالی دو تن از بازجویان معروف ساواک هستند که در اعترافات خود در دادگاه بعد از انقلاب راجع به دوستان شکنجه گر خود چنین می‌گویند:

*س- کلیه اطلاعات خود را راجع به رضا عطارپور مجرد نام مستعار (حسین‌زاده) بنویسید.

ج- او در سال ۴۶ که من در ساواک استخدام شدم رئیس بخش ۳۱۲ بود که در آن زمان بخش ۳۱۲ وظیفه‌اش جمع‌آوری اطلاعات درباره جبهه ملی و احزاب غیرکمونیسیت مخالف بود. او در کمیته‌های مختلف شرکت و همیشه فعال ما یشاع بوده از جمله گروه فلسطینی (گروهی کمونیست که اعضای آن قصد داشتند برای دیدن دوره به فلسطین بروند و یکی از اعضای معروف آن شکرالله پاک‌نژاد است) را کشف و در مراحل بازجویی از اعضای آن دخالت داشته از بدو تشکیل کمیته ۵ نفری در مهر ماه سال ۴۹ که بعداً من را هم به اصرار و گزارشی که برای ثابتی نوشت و نظر ثابتی را هم جلب کرد تا من به آنها ملحق شوم.

در کمیته فعالیت مؤثر داشته و در حقیقت کاشف گروه سیاهکل وی می‌باشد. او یکی از بانیان شکنجه به متهم و از عاملین مؤثر شدت شکنجه بوده است. از سال ۴۹ به بعد از جمله فعال‌ترین کارمندان و رؤسای ساواک در سرکوبی مبارزین بوده و برای بزرگ کردن خود هم در خیلی از مواقع مسائل کوچک را بزرگ جلوه می‌داده است. او مدتی معاون اداره دوم عملیات بررسی و سپس رئیس اداره یکم عملیات و بررسی، معاون کمیته و رئیس واحد اطلاعاتی کمیته مشترک ضد خرابکاری در این اواخر نیز معاون مدیر کل اداره سوم شده بود.

وی در ماجرای شهادت ۹ نفر زندانی که در اوین انجام شد نقش مؤثر داشته و طراح یا پیشنهاد کننده بوده است و احتمالاً زندانیان شهید را هم ممکن است انتخاب کرده باشد. دستور کشتن محمود نمازی و منصور فرشیدی را که از اعضای سازمان چریک‌های فدائی بوده‌اند او داد که به وسیله حسینی و بازجویان مربوطه پرویز متقی و محمد مقدم نثاری انجام شد به من گفته بود که انوشیروان لطفی را بکشم که من این کار را نکردم. به نظر من در جریان کشتن احمد آرامش و سید محسن سیدباقری دخالت داشته است چون در محل ملاقات آنها حاضر شده بوده است.

* مشروح اطلاعات خود را درباره محمد حسن ناصری (عضدی) رئیس واحد اطلاعات کمیته مشترک ضد خرابکاری بنویسید.

ج- او از زمانی که دانشجوی رشته حقوق در دانشگاه تهران بوده با ساواک همکاری می‌کرده و به عنوان منبع از اعضای جبهه ملی در دانشگاه کسب خبر می‌نموده است. بعداً چون آموزگار بوده به ساواک منتقل و مدتی در سوسنگرد و ساواک تهران رهبر عملیات بوده تا این که با رئیس ساواک سوسنگرد اختلاف و کارش به دادگاه اداری می‌گشت و به تهران منتقل و در بخش مستقل قضائی ۳۰۳ بازجوی متخصصین می‌شود.

در بازجویی و شکنجه اعضای گروه فلسطینی در سال ۴۸ (شکرالله پاک‌نژاد و ناصر رحیم‌خانی و سایرین) گروه ساکا سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان و ده‌ها گروه کوچک و بزرگ مبارز دخالت داشته و از سال ۴۹ تا اواسط سال ۵۴ همیشه در کنار عطارپور (حسین‌زاده) بوده و هر دو نفر در تشدید شکنجه و سخت‌گیری بیشتر کارمندان را در فشار می‌گذاشته‌اند. من بارها خودم شاهد بودم که در اطاق شکنجه یا اطاق بازجو می‌ایستاد و دستور کتک زدن می‌داد و خودش هم می‌زد و هیچ رحمی نداشت. او اصولاً با آزاد ساختن زندانی مخالف بود. هر بازجو را که گزارش آزادی تهیه می‌کرد صدا کرده و با خشونت او را متهم به پول گرفتن و یا ارتباط با او می‌نمود به طوری که بازجویان واقعاً از این که گزارش آزادی برای کسی تهیه نمایند، می‌ترسیدند. او همیشه نظریه‌های بازجویی را تند می‌کرد و اگر متهمی

واقعاً ابراز ندامت کرده و یا عائله مند بود و یا گناه کمی داشت که می‌شد از آن گذشت او نظریه بازجو را خط زده و می‌گفت این مسائل ربطی به ما ندارد و بنویسید فعالیت مضره او محرز و مسلم است و این جمله بود که راه هر گونه کمکی را می‌بست. اگر انتقادی یا ایرادی از دولت یا رژیم گفته می‌شد چشم‌هایش را از حلقه بیرون می‌آورد و می‌گفت خیلی فضولی می‌کنی. صلاح مملکت خویش خسروان دانند.

حیوانی عقده‌ای بود که چون دستش را در دانشگاه دانشجویان شکسته بودند همیشه وقتی به یک متهم می‌رسید دست او را می‌گرفت و پیچ و تاب می‌داد و یا کشیده می‌زد. همیشه به فکر منافع شخصی خود بوده در این راه ضمن بزرگ کردن کارهای خود توجهی به دیگران حتی اگر دوست خودش بودند، نمی‌کرد و در این راه حتی به رضا عطارپور (حسین زاده) که باعث ترقی او شده بود تهمت زد و تا این اواخر هم با هم قهر بودند. او حیوانی است که هر عمل جنایتکارانه از دست او و فکر او برمی‌آید و اصولاً خبیث است مشاغلی که داشته عبارتند از رئیس بخش ۳۱۱، معاون اداره یکم عملیات و بررسی، معاون واحد اطلاعاتی کمیته مشترک ضد خرابکاری و رئیس این واحد تا آبان [عقرب] سال ۵۷ او همیشه می‌گفت من نوکر رئیس هستم و اگر یک چوب بالای سر من بگذارند از او اطاعت می‌کنم. سایر اعمال او به شرح زیر است:

۱- شرکت در شکنجه متهمین سیاهکل و اصرار در اعدام آنها. توضیح این که او همیشه اصرار داشت که میزان محکومیت و مجازات را هم خودش تعیین کند و این کار را هم می‌کرد و با اداره دادرسی در مورد میزان مجازات متهمین تماس می‌گرفت.

۲- شرکت در محاصره خانه تیمی چنگیز قبادی در شهر ولیعهد و خانه تیمی مهرنوش ابراهیمی روشی در احتمالاً خیابان ابطحی.

۳- عامل مؤثر فشار و شکنجه به متهمین که در بین سال ۵۰ و ۵۱ در اوین دستگیر و خودش و نوزدی (رسولی) به کار آنها رسیدگی می‌کردند مثل ویدا حاجبی تبریزی.

۴- دفاع از خشونت و شکنجه در همه مراحل و ارائه پیشنهاد در این زمینه.

۵- شرکت در به شهادت رساندن ۹ نفر از زندانیان در اوین از جمله بیژن جزنی، مصطفی خوشدل و کاظم ذوالانوار، ضمناً او پیشنهاد کننده و یا طراح بوده و از ابتداء می‌دانسته دارد چکار می‌کند.

۶- یکی از عاملین تجدید قرار بازداشت زندانیانی بوده که پس از پایان محکومیت مجدداً به اتهام واهی فعالیت در زندان مدت‌ها زندانی کشیده و به اصطلاح می‌گفتند ملی کشی.

۷- از عاملین تشدید مجازات متهمین از سال ۵۴ به بعد بوده است.

۸- به عنوان رئیس واحد اطلاعاتی از کلیه جنایاتی که در کمیته مشترک ضد خرابکاری صورت گرفته اطلاع داشته منجمله شهادت خسرو صفائی، گرسیوز برومند، معصومه طوافچیان، مهوش جاسمی و سایر افرادی که از سال ۵۵ به بعد دستگیر و شهید شده‌اند.

۹- به نظر من علت مرگ بهمن روحی آهنگران، فشار و شکنجه‌هایی بوده است که در شب دستگیری به دستور او و یا به وسیله او به روحی آهنگران وارد آمده زیرا صبح که من از خواب بیدار شدم گفت که بهمن را شکسته است و از همان موقع بهمن روحی آهنگران به تدریج حالش بدتر شد در حالی که بعد از آن دیگر شکنجه نشد و آخر سر هم در بیمارستان شهید شد. البته پس از عمل جراحی و دو سه روز بعد.

۱۰- او همیشه با ماشین ضد گلوله و یک یا دو اسکورت به منزلش می‌رفت و حتی اکیپ هم او را اسکورت می‌کرد.

۱۱- دستگاه‌های شکنجه مثل شوک الکتریکی آپولو، قفس و... با نظر و یا طرح او یا عطارپور ساخته شده و همانطور

که قبلاً گفتم شخصی به نام جعفری که در شهربانی مورد شناسائی می‌باشد و عباس نظیف کار (زندانی هم باید او را بشناسد می‌تواند بگوی که چه کسی دستور ساختن آنها را داده است).

۱۲- در این دو سال گذشته با وامی که از دولت گرفته بود مشغول ساختن سردخانه در اطراف دامغان بود و تعدادی هم چاه آب زده بود که فرزین طباطبائی حدود دو میلیون تومان از او طلبکار است. همچنین شخصی به نام داعی الحق که فرش فروش در بازار است می‌گفتند که حدود ۷۰۰ هزار تومان از او بابت فرش می‌خواهد که نداده است او حتی پول رسولی را ۲۰۰ هزار تومان، که مربوط به وام اداری خرید خانه‌اش بوده برداشته و کلیه وسائل خود را فروخته بود.

۱۳- شایع بود که منزلش را به ساواک اجاره داده است. منزل او در تهران پارس نزدیک منزل سرگرد افشار (زندانی) است.

۱۴- در این اواخر بازنشسته و با گرفتن ۱۰۰ هزار تومان به اسرائیل رفته و به احتمال قوی در تل آویو زندگ می‌کنند و با شعیب صمیمی آخرین نماینده ساواک در اسرائیل رابطه دارد چون زبان نمی‌داند.

۱۵- از سایر جنایات او از سال ۵۵ به بعد اطلاعی ندارم ولی او هم باید در جریان سر به نیست کردن مبارزان و مجاهدانی که در دو سال گذشته دستگیر می‌شدند و بعد خبری از آنها نمی‌شده است داشته باشد. من از ناصری (عضدی) کثیف‌تر، لعین‌تر، و خبیث‌تر ندیده‌ام و امیدوارم که هر چه زودتر به مجازات اعمال جنایتکارانه‌اش برسد. هر کمکی هم که از دستم برآید یا به نظرم برسد با جان و دل حاضرم انجام بدم.

* هویت شما محرز است مشروح اطلاعات خود را درباره ناصر نوذری (رسولی) بنویسید.

ج- ناصر نوذری (رسولی) قبل از این که به استخدام ساواک درآید آموزگار فرهنگ در اهواز بود و به صورت منبع با ساواک خوزستان همکاری می‌کرده است. در سال ۵۰ به استخدام ساواک درآمد. در بخش ۳۱۱ به کار مشغول شد. از همان ابتداء چون مطیع بود مورد علاقه ناصری (عضدی) واقع شد و ناصری از وجود او برای اطلاع از وضع کارمندان بخش نیز استفاده می‌کرد. یعنی در ساواک هم از کارمندان خبر چینی می‌کرد و گزارش می‌داد. او در بین سال‌های ۵۱ و ۵۲ به کار بازجویی در اوین مشغول بوده و متهمین را شکنجه می‌داده است. بعداً به کمیته منتقل شد و عده‌ای از کارمندان جوان بخش ۳۱۱ مثل فریدون توانگری (آرش) احمد نیکخو (ریاحی) علی میثاقی (سپهر) را زیر دست او به کار گماردند و ناصری و عطارپور چون اعتماد زیادی به او داشتند متهمین را به آنها داده تا بازجویی نمایند.

هر متهم که بازجویی برای او گزارش آزادی می‌نوشت و ناصری (عضدی) مخالفت می‌کرد به ناصر نوذری (رسولی) می‌داد که مجدداً بازجویی نماید و در حقیقت او صافی کار سایر بازجویان بود و بدون چون و چرا مطیع محض ناصری بود اقداماتی که از او می‌دانم به شرح زیر است.

۱- وی حتی شب‌ها هم دست از بازجویی بر نمی‌داشت و به همین علت هم مورد علاقه ناصری بود و ناصری از همه می‌خواست مثل او باشند.

۲- یک شب که مشغول بازجویی از پرویز حکمت جو بوده خوابش می‌برد و حکمت جو نیز با استفاده از فرصت، چنگالی که روی میز قرار داشته برداشته و به داخل پرز برق فرو می‌کند در همین حال رسولی از خواب پریده سعی می‌کند مانع کار حکمت جو شود که برق خودش را هم می‌گیرد و در نتیجه حکمت جو به این ترتیب خودکشی می‌کند.

۳- در شکنجه دادن به خسرو صفائی و گرسیوز برومند آنقدر پیش می‌رود که آنها به شهادت می‌رسند. البته من فکر می‌کنم قصد اولیه هم کشتن آنها بوده که به دستور ناصری و سجده‌ای و ثابتی و سایر مقامات بالاتر انجام شده است ولی عامل اجراء رسولی بوده است.

۴- معصومه طوافچیان و مهوش جاسمی را هم که دستگیر شده بودند به وسیله او به شهادت رسیده‌اند نحوه‌اش را نمی‌دانم.

۵- ابوالحسن شایگان شام اسبی که در اوین به نام نصرتی زندانی بود و در انفرادی به سر می‌برد او سرکشی می‌کرد و اگر این جوان ۱۶ ساله آزاد نشده و خبری از او نباشد به احتمال قوی به وسیله وی به شهادت رسیده است.

۶- او در میان زندانیان مأمورین و منابعی داشت که یا آنها را به کمیته منتقل می‌کرد و یا در زندان‌ها با آنها تماس می‌گرفت ولی من اسامی و مشخصات آنها را نمی‌دانم.

۷- اکثر کارمندان ساواک از او نفرت داشتند زیرا اعمال و رفتار و گفتارش این احساس را به وجود می‌آورد.

۸- با او روابط خانوادگی و غیره نداشته‌ام و منزل او را بلد نیستم فقط شایع بود که در منازل سازمانی نظام آباد یک آپارتمان به او داده‌اند.

۹- در کشتار ۹ نفر زندانی منجمله بیژن جزنی، مصطفی خوشدل و کاظم ذوالانوار و سایرین شرکت داشته است.

۱۰- شایع بود که در سر به نیست کردن مبارزین او بیشتر دخالت داشته ولی اطلاع دقیقی ندارم چون از سال ۵۵ به بعد شاید دو یا سه بار آنهم اتفاقی دیده‌ام و کسانی که در کمیته بوده‌اند بهتر می‌توانند بگویند.

رسولی در اسناد ساواک

درباره نوزری معروف به رسولی

نامبرده کارمند مقام دو می‌باشد و به طوری که خودش می‌گفت قبل از این که در ساواک استخدام شود. در اهواز مأمور ساواک اهواز بوده و از وضع منطقه اطلاعاتی در اختیار ساواک می‌گذاشته است.

وی اهل بختیاری است و در مسجد سلیمان و اهواز اقوامی دارد. به وسیله ساواک اهواز استخدام و به مرکز اعزام و در اداره کل سوم مشغول خدمت می‌باشد و با عضدی آشنائی قبلی داشت و رابطه خیلی نزدیکی با هم داشتند. وقتی عضدی به کمیته آمد رسولی را نیز از اداره سوم به کمیته منتقل کرد. وی ضمن بازجویی منابعی هم در اختیار داشت و در کمیته نور چشم عضدی بود.

رسولی با کمک منابعی که در اختیار داشت گروه کمونیستی می‌ساخت و بعد آنها را دستگیر می‌کرد. روی این اصل مورد علاقه عضدی بود و با این که مقام دو بود و کارمند جدید محسوب می‌شد برای این که مزایای بیشتری بگیرد رئیس دایره شد. رسولی شخصی را به نام رزمجو که گویا افسر ارتش بوده از زندان قصر به کمیته خواسته بود. هنگام بازجویی رسولی روی تخت خوابش می‌برد. متهم از فرصت استفاده کرده و به وسیله برق خودکشی کرد. وقتی جریان را به رئیس کمیته خبر دادند دستور داد رسولی به مهران برود و دادگاهی شود ولی عضدی او را نگهداشت و کماکان در کمیته باقی ماند.

برای دستیابی به وی بایستی به شهربانی‌های اهواز و مسجد سلیمان توجه داده شود و یا به ژاندارمری مناطق بختیاری اعلام گردد.